

## منابع و روش شناخت مبانی نظری

## معماری قدسی و شهر اسلامی

دکتر محمد نقی زاده

معنوی مورد اعتقادشان است.

شرع چون کیل و ترازو دان یقین

که بدو خصمان رهند از جنگ و کین

گر ترازو نبود، آن خصم از جدال

کسی رهد از وهم حیف و احتیال

### درآمد

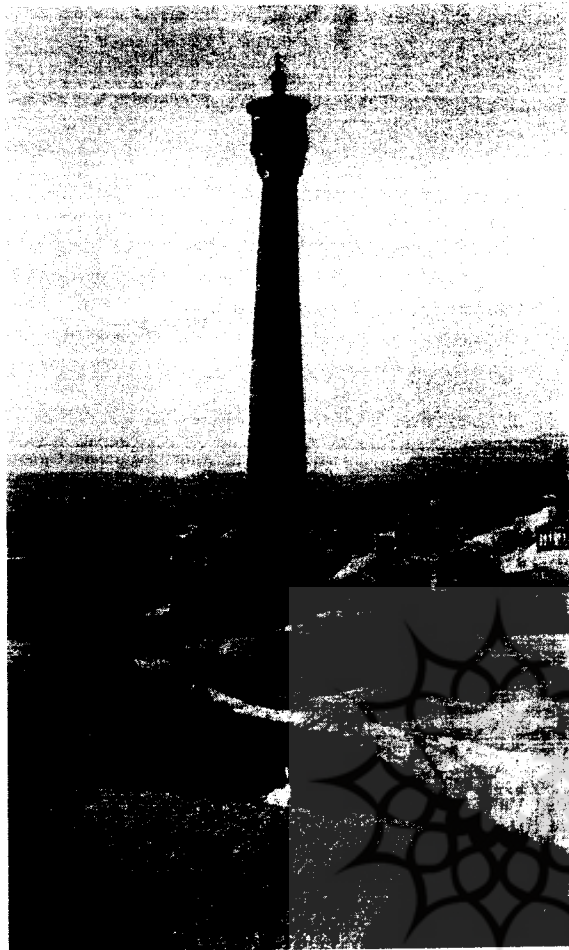
شرط اول شناخت و ارزیابی و طراحی در معماری و شهرسازی وجود معائیری است که از مبانی نظری منبعث از جهان بینی و فرهنگ حاکم بر جامعه استنتاج شده باشند. در تدوین مبانی نظری نیز دو مقوله عام مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارت از عوامل منبعث از قلمرو مادی زندگی و دیگری عوامل برخاسته از ارزش‌های معنوی و روحانی حیات می‌باشند. عوامل دسته اول تقریباً (و ظاهراً)<sup>(۱)</sup> به سادگی قابل تدوین بوده و به نوبت، های مادی انسان و عوامل مادی محیط و از جمله (به ویژه در عصر حاضر به) عوامل اقتصادی توجه دارند. عوامل گروه معنوی، از سوی دیگر، به راحتی قابل شناسایی و تجربه تحلیل و اندازه‌گیری و به‌طور خلاصه به سهولت کمیّت پذیر نمی‌باشند. و به همین دلیل، در دنیای معاصر، غالباً یا به‌بوته فراموشی سپرده می‌شوند و یا اینکه تنها به صورت صوری از آنها یاد می‌شود.<sup>(۲)</sup> البته این از ویژگی‌های دوران معاصر است که به تعبیر لوکربوزیه به خانه (معماری) به مثابه یک ماشین می‌نگرد. در حالی که در جامعه‌ای دینی، معماری بر مبنای مبانی و اصولی شکل گرفته بود که برای معمار و کسی که در عمارت می‌زیست از تقدس برخوردار بود و بالتیجه عمارت و فضا و محیطی که بر مبنای اصول مقدسی شکل گرفته بودند تقدسی را به بیننده و ناظر القا می‌نمودند.

نوشتار حاضر بر این نکته تأکید دارد که در کنار و مقدم بر معیارهای مادی صرف، وجود مبانی نظری مدون برآمده از حقایق و ارزش‌های معنوی و دینی، که

### چکیده

یکی از مسایل مبتلا به جوامع امروز، جدایی انسان از مبانی معنوی و تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات است. از جمله در مقوله معماری و شهرسازی، نه تنها عمارات و محیط و فضا پیام و معنایی معنوی و روحانی را القا نمی‌نمایند، بلکه انسان‌ها نیز غالباً در پی ایجاد محیط‌ها و فضاهایی کیفی و معنادار و روحانی که تجلی آرمان‌های معنوی حیات باشند، نیستند. معماری و شهر مسلمین که روزگاری سرشار از معانی و رموز و اسرار و حافظ و مقوم تعادل حیات بود، در دنیاگرایی به دنباله روی از غرب پرداخته است. در جهت رفع معضلات و بازگشت به خویش در زمینه معماری و شهرسازی مهم‌ترین نقص فقدان مبانی نظری مدون منبعث از فرهنگ اسلامی می‌باشد که بتواند جامعه را به سمت طراحی و آرایه و واجد بودن فضا و محیط روحانی معناداری هدایت نموده و در درک کیفی محیط نیز جامعه را یاری نماید. در پاسخ به این نیاز و تدوین این مبانی، شناسایی منابع و مآخذ مورد نیاز و چگونگی استفاده از آنها گام نخستین خواهد بود که وجیزه حاضر سعی در پاسخگویی به آنها خواهد داشت. با این اشاره که مهم‌ترین منابع عبارت از متون اسلامی و تجارب مسلمین در تجلی کالبد بخشیدن به اصول و ارزش‌های

بافت سنتی شهر تاریخی سمنان در پناه عنصر شاخص مذهبی شهر (مسجد جامع) محل فعالیت‌های اهل شهر است. تسلط عارفانه که نشانی از تحقق انسان در آن مشاهده نمی‌شود.



وقتی تشدید می‌شود که برای انسان و فعالیت‌هایش هدفی والاتر از موضوعات صرف مادی مورد نظر باشد. منجمله تفکر اسلامی بر این نکته مهم تأکید دارد که اولاً جملگی آثار و پدیده‌ها علاوه بر ظاهر مادی خویش، باطنی معنوی و مستور و پوشیده در حجاب دارند که جز برای طالبان حقایق و کوشندگان در این راه منکشف نمی‌باشند. ثانیاً اینکه هنگام ورود به قلمرو هنر قدسی و دینی جلوه‌هایی از حقایق لاهوتی در قالب تمثیلات نشان دهنده و مبین نمادها و رموز خواهند بود.<sup>(۴)</sup> بنابر این موضوع خاصی مطمح نظر این مقاله خواهد بود که عبارت از شناسایی منابع مورد نیاز و چگونگی بهره‌گیری از آنها برای تدوین مبانی نظری

بتوان معانی معنوی و جامع را از آنها استخراج نمود، برای آغاز طراحی و شناخت "و" ارزیابی محیط ضرورت دارد. زیرا اولاً هر تلاشی برای نظم بخشیدن و شکل دادن به فضا و محیط مصنوع (همچون سایر فعالیت‌های بشری) بایستی در جهت خدمت به انسان<sup>(۳)</sup> و پاسخگویی به ارزش‌های مورد احترام وی و همچنین برآوردن نیازهای مادی و روانی و معنوی او باشد، ثانیاً محیط باید بتواند به عنوان رابطی بین حیات دنیوی انسان و غایت حیات او و ماوراء طبیعت ایفای نقش نماید، و ثالثاً هر یک از جزییات هر عمارت و شهری به همراه کلیت آن تجلیگاه ارزش‌هایی باشند که مورد احترام جامعه هستند. ضرورت تدوین این مبانی

معماری و شهرسازی اسلامی معاصر است به گونه‌ای که بتوان هنر قدسی مستتر در آثار تاریخی این مرز و بوم را تداوم بخشید، انسانها را با ارزش‌ها آشنا نمود، کیفیت معنوی محیط و به تبع آن توجه انسان به سمت معنویت حیات را ارتقاء داد، و نهایت این که هویت متمایز معنوی جامعه را در عمارات و شهرها تجلی بخشید. و احتمالاً در سایر شقوق هنر و حیات اجتماعی از آن بهره جست.

فقدان معیارهای مبتنی بر مبانی نظری برآمده از فرهنگ اسلامی - ایرانی احتمال به بیراهه رفتن و تقلید از الگوهای نامناسب بیگانه را افزایش می‌دهد.<sup>(۵)</sup> زیرا اصولاً در همه زمینه‌های زندگی و فعالیت‌های اجتماعی و فردی، عدم دسترسی به اینگونه مبانی نظری و معاییر برآمده از آن، راه را برای نفوذ فرهنگ بیگانه در قالب رشته‌های مختلف هنر و علوم و فنون و روش‌های زیست از جمله معماری و شهرسازی و سینما و موسیقی و تولیدات صنعتی و خلاصه الگوی زیست و مصرف تسهیل می‌گرداند. چراکه یکی از مهم‌ترین علل انحطاط جوامع، از خودبیگانگی است که اولین اثر آن ترجیح دادن الگوهای بیگانه بر آنچه که خودی است و همچنین تکرار و تقلید الگوهای بیگانه بدون بررسی و انتخاب می‌باشد.<sup>(۶)</sup> که همه اینها از غفلت مسلمین از آنچه که خود دارند و ضایعه‌ای که بر اعتقاداتشان وارد می‌شود منتج می‌گردد. ضمن آنکه غفلت از تجارب ناموفق و مشکل‌آفرین ملل اسلامی و سایر تمدن‌ها در به کار بستن ایده‌ها روش‌های بیگانه مزید بر علت می‌شود.

## ۱. منابع و مراجع اصول و ارزش‌ها

تدوین مبانی نظری مبین مختصات معماری قدسی و شهر اسلامی، غور و مطالعه در دو دسته منابع اصلی یعنی "متون اسلامی" و "تجارب انسانی" را طلب می‌نماید.<sup>(۷)</sup>

الف. متون اسلامی: به منظور تبیین ویژگی‌ها و رموز و معانی عمارات و شهرها و اجزاء متشکله آنها در هر جامعه‌ای، مدنظر داشتن تفکر و فرهنگ حاکم بر جامعه یکی از اصول اساسی است.<sup>(۸)</sup> به این ترتیب نخستین گام در تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی برای جامعه‌ای مسلمان عبارت از شناسایی اصول و مفاهیم و معاییری است که تعالیم اسلام برای ابعاد و زمینه‌های مختلف زندگی انسان ارایه نموده است.

با عنایت به آیات صریح قرآن کریم و سخنان معصومین (ع) قرآن کریم استوانه منابع اسلامی است که بی‌میج شکی هدایتگر کسانی است که جوایب سعادت از او باشند.<sup>(۹)</sup>

چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: آنگاه باشید در قرآن است علم به آنچه می‌آید و خیر از گذشته و داروی درد و نظم و ترتیب دادن آنچه به شما مربوط است.<sup>(۱۰)</sup> دلیل این که کتاب الهی قرآن می‌تواند و بایستی پاسخگوی همه نیازهای بشر باشد این است که بر خلاف نظرات و آراء انسان ساخته که نسبت به زمان و مکان تغییرپذیر می‌باشند، قرآن کریم عده‌ای اصول لایتغیر را معرفی می‌نماید که رعایت آنها در همه زمان‌ها و مکان‌ها لازم است و از سوی دیگر عده‌ای منهیات را متذکر می‌گردد که همیشه و در همه جا نهی شده‌اند. به عبارت دیگر علی‌رغم آنکه برخی به تغییر و نسبی بودن همه چیز اصرار می‌ورزند، بسیاری نیز به وجود حقایق جاودان و بی‌زمان و بی‌مکان اعتقاد و باور دارند.<sup>(۱۱)</sup> علی‌ایحال آنچه مسلم است نبایستی توقع داشت که قرآن کریم به جزئیات اجرایی پرداخته و روش ساخت ابنیه در اقالیم متفاوت و در زمان‌های مختلف را با ذکر جزئیات و ابعاد و شکل خاص آنها بیاموزد.<sup>(۱۲)</sup> بلکه آنچه که از قرآن مجید، به دلیل ویژگی خاصش که کتاب راهنمای همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی است توقع می‌رود این است که حقایق و اصول

و ارزش های جاویدی را معرفی نماید که همیشه و همه جا لازم‌الرعایه‌اند و به کار بستن آنها انسان را در حصول به مقصود حیاتش یاری می‌دهد.<sup>(۱۳)</sup>

سنت یا مجموعه سیره نبی گرامی اسلام (ص) (به عنوان انسان کامل و اسوه حسنه امت اسلام) و روایات رسیده از معصومین (ع) به عنوان دست اول‌ترین و نابترین تفسیر قرآن کریم دومین منبعی است که در شناخت اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه اسلامی بایستی مدنظر و مورد استفاده و استناد تدوین‌کنندگان مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی قرار گیرند.<sup>(۱۴)</sup>

ب. تجارب بشری: تجارب جوامع بشری یکی از منابع مهمی است که می‌تواند جامعه را از تکرار اشتباهات رهایی داده، و در انتخاب و تکرار سنت‌های حسنه یاری برساند. و این یک اصل قرآنی است که کراراً انسان را به تفکر و تدبیر و عبرت گرفتن از زندگی اجتماعات بشری تشویق و ترغیب می‌نماید.<sup>(۱۵)</sup> در راستای لزوم بهره‌گیری از تجارب مفید پیشینیان و اجتناب از تکرار اشتباهات آنان است که حضرت علی (ع) به فرزند خویش امام حسن (ع) روش بهره‌گیری از تجارب پیشینیان را با ارزیابی و انتخاب محاسن و حذف معایب آن مطرح می‌فرماید.<sup>(۱۶)</sup> از سوی دیگر تعالیم اسلامی به انحاء مختلف، مسلمین را اولاً به تجهیز شدن به آخرین جهاز علمی و ثانیاً کسب علم و دانش از همه جا تشویق نموده است که همین مجوزی است در بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و تجربیات سایر ملل.<sup>(۱۷)</sup>

## ۲. شیوه بهره‌گیری از منابع و مراجع

چنانچه گذشت منابع و مراجع، متشکل از دو عنوان "متون اسلامی" و "تجارب بشری" می‌باشند که بهره‌گیری از هر گروه، مختصات خاص خود را طلب می‌نماید که ذیلاً به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. شیوه بهره‌گیری از متون اسلامی: بهره‌گیری از متون اسلامی، طی مراحل متوالی خاصی را طلب می‌نماید. در مرحله اول اصول و مضامین مرتبط با "انسان" و "محیط" (اعم از طبیعی و مصنوع) دو موضوع اصلی هستند که بایستی مدنظر محقق قرار گرفته و ویژگی‌های مربوط به هر کدام در شرایط ایده‌آل بر اساس تعالیم اسلامی شناسایی شوند. مرحله بعدی به تبیین روابط این دو با یکدیگر و با اصولی که باید در ایجاد محیط مصنوع مدنظر قرار گیرند تا محیط مطلوب مورد نظر اسلام پدید آید، می‌پردازد. مرحله سوم به بررسی نقشی که محیط مصنوع در تنظیم ارتباط بین انسان‌ها با یکدیگر و با ارزش‌های معنوی ایفا می‌نماید توجه می‌کند. و نهایتاً این که به اهمیت محیط مصنوع در هدایت انسان به سمت آرمان و غایت حیاتش می‌پردازد.

عمارت و شهر را می‌توان به اجمال حاصل نظم‌دهی ارتباط بین عده‌ای فضای معین با استفاده از مصالح و اشکال نامید به گونه‌ای که مجموعه حاصل بتواند بهترین کارایی و بازدهی (معنوی و مادی و یا کیفی و کمی) مورد نظر را در پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان و هدایت او به سمت و وصول به کمالات و آگاهی دادن وی به حقایق داشته باشد. بنابر این بدو بایستی موضوعات مرتبط با انسان از جمله هدف از خلقت او، نقش انسان در کره ارض و چگونگی زیستن او را در رابطه با خود و با جامعه و با محیط پیرامونش و در نهایت با خالقش تعریف و روشن شود.<sup>(۱۸)</sup>

تعالیم اسلامی اصول لایتغیری را معرفی می‌نماید که هر کدام از آنها در هر زمینه و مقوله‌ای از حیات (از جمله در ایجاد محیط زندگی و کلیه امور مرتبط با آن) تفسیر و مصداق خاص خویش را دارند. بنابر این می‌توان برای مفاهیم و اصول و ارزش‌هایی همچون توحید، وحدت، عبادت، عدل، تقوی، ذکر، شکر، تفکر، تعقل و قس علیهدا، مصادیقی را در هر قلمرو و



نمونه‌ای از معماری مسکن تاریخی شهرهای ایران

پذیرش همه جوامع و مکاتب هستند بایستی از کلی‌گویی در مورد آنها اجتناب شده و جزئیات ویژگی‌های دقیق هر کدام بر اساس بینش اسلامی تعریف و تبیین شوند. فی‌المثل در باب اصل نظم، همه مکاتب و جوامع و از جمله طراحان متعلق به مکاتب مختلف به لزوم رعایت نظم در کار خویش اعتقاد داشته و اصولاً رعایت نظم را در انواع طرح‌ها از عوامل مهم توفیق آنها می‌دانند. لکن باید توجه کرد که صرف بیان این کلمات کافی نیست و ویژگی‌های نظم در مکاتب مختلف و برای موضوعات متفاوت ممکن است اختلافات و حتی تضادهایی داشته باشند. اولاً نظم غالباً با یک سری اصول دیگری به عنوان صفت آن تعریف می‌شود مانند نظم هندسی، نظم خطی، نظم هماهنگ، نظم سلسله مراتبی، و نظم اندام‌واره‌ای که هر یک از این صفات نیز به نوبه خود تعاریف خاصی رابسته به زمان و مکان و موضوع مورد مطالعه و از همه بالاتر فرهنگ

مقوله مرتبط با محیط زندگی از جمله معماری و شهرسازی شناسایی نمود.<sup>(۱۹)</sup> پس بر همه متخصصین هر رشته از علوم و فنون و هنرهای اسلامی است که مصادیق این ارزش‌ها را در حیطه فعالیت و تخصص خویش شناسایی نموده و راههای بهره‌گیری از آنها را جست و جو کنند. زیرا که اینها ارزش‌های ثابتی هستند که فقط ممکن است نحوه تجسم عینی و کالبدی بخشیدن به آنها در زمان و مکان خاص و یا با تغییرات علوم و فنون و امکانات در دسترس تغییر نماید. به این ترتیب محیط مصنوع در مجتمع‌های اسلامی بایستی تجلیگاه کالبدی ارزش‌هایی باشد که تعالیم اسلامی به مسلمین می‌آموزد، ضمن آنکه باید بری از ضد ارزش‌هایی باشد که مسلمین از اتصاف به آنها نهی شده‌اند. در طراحی و معنا بخشیدن به عمارت و شهرها مدنظر داشتن یک سری اصول کلی و اساسی قطعی به نظر می‌رسد که چون غالباً اصولی جهانی و مورد



نمونه‌هایی از معماری مسکن تاریخی  
شهرهای ایران که اصولی خاص در آنها مرعی  
شده است از جمله ارتباط مناسب با عناصر  
طبیعی، مقیاس انسانی، درون‌گرایی، فرم‌های  
آشنا، پاسخگویی به اقلیم و...

و ایدئولوژی حاکم طلب می‌نمایند.<sup>(۲۰)</sup> برای نمونه  
نظمی که بر هنر اسلامی حاکم است مطابق بیان  
بورکهاردت از بین برنده و نافی همه پریشانی‌ها و  
تمایلات شهوانی دنیا و بالعکس مبین تعادل و آرامش و  
صلح است.<sup>(۲۱)</sup>

ب. شیوه بهره‌گیری از تجارب بشری: همانگونه که از  
کلام حضرت امیر(ع)<sup>(۲۲)</sup> برمی‌آید، وجود معیارهای  
ارزیابی در بهره‌گیری انواع تجارب، علوم و روش‌های  
تاریخی و بیگانه و وارداتی از اهم وظایف جامعه  
مسلمین در این راه است. این بدان دلیل است که اولاً از  
تکرار اشتباهات گذشته اجتناب شده، ثانیاً از تسلط  
بیگانگان بر جامعه اسلامی از طریق رواج آراء و  
شیوه‌های زیستی که سبب تسلط اجانب بر فکر و ذهن  
جامعه می‌شود جلوگیری شده، و ثالثاً از تشبه جامعه  
مسلمین به کفار و اجانب ممانعت به عمل آمده و  
هویت جامعه اسلامی حفظ و تقویت شود و بالتبع از  
بروز احساس از خودبیگانگی و حقارت در مقابل  
بیگانه در جامعه جلوگیری شود. بنابر این تدوین مبانی  
نظری منبث از تعالیم اسلامی به عنوان معیار ارزیابی  
شرط لازمی است که امکان تصمیم‌گیری صحیح در  
پذیرش و یا عدم پذیرش و همچنین چگونگی  
بهره‌گیری از تجارب و دانش‌های جامعه بشری را  
فراهم می‌نماید.<sup>(۲۳)</sup> علاوه بر این همانگونه که تمدن  
اسلامی در قرون اولیه و به هنگام تماس با ملل مختلف  
و فرهنگ‌های گوناگون در مورد آراء و تجارب و  
فرم‌های بازمانده و برگرفته از کشورهای تسخیر شده و  
یا مورد تماس عمل کرد، آراء و اشکال و روش‌های  
ساخت وارداتی باید با تغییرات مناسب استحاله یافته و  
هویتی اسلامی بیابند. چنانچه در مورد فرم‌های متخذه  
از تمدن‌های قبل از اسلام آمده است: "در ایران، هنر  
اسلامی موتیف‌های بسیاری را از ایران پیش از اسلام  
و میراث فوق‌العاده غنی آن، و نیز موتیف‌هایی را از  
آسیای مرکزی اقتباس نمود. اما این موتیف‌ها به واسطه

روح اسلام استحاله یافتند و به عنوان اجزایی از  
ساختارهای اسلامی به کار گرفته شدند.<sup>(۲۴)</sup> در مورد  
بهره‌گیری از تجارب سایر تمدن‌ها دوگونه ارزیابی و  
مطالعه بایستی مدنظر قرار گیرند: اول ارزیابی آراء و  
مبانی نظری آنها و دوم ارزیابی نتایج و اثرات اجرای  
آنها و درجه توفیقشان در حصول به خواسته‌ها و  
اهداف تعیین شده.

و اما در باب آنچه که از آثار ابنیه و شهرهای  
تاریخی مسلمین برجای مانده است نکته قابل توجه آن  
است که بیشتر از آنکه به شکل و کالبد و فیزیک و جسد  
ابنیه و بافت‌های تاریخی شهری توجه شود، بایستی در  
جست و جوی دو مطلب عمده بود: مطلب اول  
آنکه مطالعات و تحقیقات بایستی در جستجوی اصولی  
باشند که کالبد و بافت‌های شهری و ابنیه را جهت رفع  
نیازهای انسان و پاسخگویی به ارزش‌های مورد احترام  
وی شکل داده‌اند و در ادامه تحقیق در اینکه چگونه  
می‌توان از این اصول در شکل‌دهی محیط زندگی  
معاصر و متجلی ساختن ارزش‌ها و معانی در آن بهره  
گرفت. زیرا این اصول که بسیاری از آنها تفسیر کالبدی  
و یا تجلی عینی ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه  
مسلمین می‌باشند (به عنوان نیاز انسان) ثابت بوده  
ولیکن نحوه پاسخگویی به آنها بنابه مقتضیات زمان و  
مکان و فنون و مصالح در دسترس و روش‌های جدید  
می‌توانند تغییر نمایند.<sup>(۲۵)</sup> مطلب دوم آنکه تحقیق و  
شناسایی اشکال و تناسبات و ارتباطاتی که نقش  
نمادین (نمادهای معنوی و نه نشانه‌های مادی) را ایفا  
نموده و برای جامعه مسلمین آشنا و شناخته شده و  
مورد احترام می‌باشند به نحو گسترده‌ای انجام پذیرد تا  
بتوان ضمن احترام به ارزش‌های مورد توجه مردم و  
استخدام عناصر نمادینی که تجلیگاه این ارزش‌ها  
هستند، در هویت بخشیدن به شهر، حضور جاودانه این  
ارزش‌ها را در صحنه زندگی و شهر تضمین نمود و  
محیط زندگی مردم را با گذشته مطلوب و معنادارشان



حفظ نمود. زیرا گسیختگی از تاریخ و گذشته محیط و فضای زیست و دوری از اشکال و عناصر و فضاهاى آشنا که هویت آنها به جهت همخوانی و هماهنگی با ارزش‌های فرهنگی شناخته می‌شود نوعی احساس بی‌ریختگی و غربت را در انسان برمی‌انگیزد و جدایی انسان از تاریخ و گذشته خویش را (که اصولاً پدیده‌ای ناهنجار و زشت است) به وجود می‌آورد. زیرا یکی دیگر از آرمان‌های معقول ما که اگر در جهان عینی تجسمی پیدا کند، زیبایی بوجود می‌آورد، عبارتست از پیوستگی با گذشته و آینده. شاید در زندگی هیچ لحظه‌ای ابهام‌انگیزتر و تاریکتر از لحظه‌ای نیست که آدمی خود را به کلی گسیخته از گذشته ببیند و ناتوان در پیوستن به آینده.<sup>(۲۶)</sup> در این راه شناسایی اشکال و الگوهایی که طی قرون متمادی به تکامل رسیده و برای مردم معانی نمادین ارزشی و فرهنگی را در خود مستتر داشته و از حالت مادی خویش به در آمده و لباس معنا پوشیده‌اند بایستی انجام پذیرفته و سعی لازم در گسترش و پیشگیری از اضمحلالشان معمول گردد. چنانچه بورکهاردت در مورد نحوه برخورد با سوابق آن بهره بگیریم.<sup>(۲۷)</sup>



### ۳. مصادیق اصول و ارزش‌های اسلامی در محیط مصنوع

در جهت شناسایی مصادیق اصول و ارزش‌های اسلامی در محیط مصنوع بدو بایستی اصول و ارزش‌ها شناسایی شوند، که برای این کار گروه‌های مختلفی از اصول و ارزش‌ها را می‌توان مورد شناسایی قرار داد. با عنایت به محدودیت‌هایی که نگارش مقاله با آن مواجه است، صرفاً مراحل کار معرفی شده و تداوم آن تا رسیدن به نتیجه مطلوب به زمان و مکانی دیگر احواله می‌گردد. خلاصه مراحل کار به شرح زیر است.

**الف. عناوین گروه‌ها:** در این قسمت پنج گروه معرفی می‌شوند که مجموعه اصول و ارزش‌های مستخرجه از آنها می‌تواند به عنوان اصول و ارزش‌های حاکم بر معماری و شهرسازی اسلامی معرفی گردند. تعداد و مختصات آنها باید از متون اسلامی استخراج شوند. اهم این عناوین عبارتند از:

\* صفات فعل الهی: اینها صفاتی هستند که افعال انسان به عنوان خلیفه‌الله باید به آنها متصف باشند. برخی از مهمترین این اصول عبارتند از: وحدت، نظم، تعادل، هماهنگی، اندازه، حد، توازن، مقدار، و...

\* اصول جهانی و اسلامی: اصولی که در جوامع مختلف مورد قبول بوده ولی تفاسیر متفاوتی دارند در این گروه قرار می‌گیرند. برخی اصول اسلامی مدنظر در این مقوله عبارتند از: تسبیح، تذکر، وحدت، تقوی، و نیز برخی اصول جهانی عبارتند از عدالت، راستی، نظم، مقیاس انسانی، زیبایی، امنیت و...

\* طبیعت: در این گروه قوانین حاکم بر طبیعت و چگونگی ارتباط انسان و طبیعت و عناصر طبیعی و معانی نمادین آنها طبقه‌بندی خواهند شد. عمده‌ترین قوانین حاکم بر طبیعت عبارتند از وحدت، تناسب، نسبت، هماهنگی، و امثالهم. علاوه بر آن از عناصری که در شکل‌گیری فضاهای شهری ایفای نقش نموده و تأثیرشان بر انسان و معماری (به ویژه با توجه

به معانی نمادینشان) غیرقابل انکار است و باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از آب، نور، گیاه، هوا، زمین (خاک)، آسمان و قس علیهذا.

\* روابط اجتماعی: اصولی که باید بر انسان و هموعانش حاکم بوده و به آن دسته از مختصات محیط که بر روابط انسان‌ها تأثیر گذاشته و یا از آنها متأثر می‌شوند در این گروه قرار خواهند گرفت. برخی از اصولی که تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها در جامعه اسلامی بوده و بر معماری و شهرسازی و سازمان فضایی شهر اثر دارند عبارتند از: وحدت جامعه، حقوق اسلامی، اخلاقیات، صلح رحم، احسان و...

\* صفات محیط مصنوع: متون اسلامی به برخی ویژگی‌ها و یا مختصات و حتی اجزاء محیط مصنوع و روابط آنها و تأثیراتی که بر انسان دارند اشاره می‌نمایند که این مختصات و ویژگی‌ها نیز در این قسمت مورد شناسایی قرار خواهند گرفت. در این زمینه می‌توان به مباحثی همچون اصلاح در زمین، هویت، عبرت، اجتناب از لغو و بطلان، اجتناب از تفاخر و تفرعن، اجتناب از فساد، اجتناب از اسراف، و موضوعات مربوط به عمارات (مسجد، مسکن، معبر و امثالهم)، رنگ‌ها، و اعداد اشاره نمود.

ب. اصول و ارزش‌ها: پس از شناسایی عناوین اصلی گروه‌ها، اصول و ارزش‌های هر کدام بایستی شناسایی شوند که در این راه احتمال اینکه اصل یا ارزشی در دو یا چند گروه قرار گیرد فراوان است. از جمله اصولی همچون وحدت و تعادل و زیبایی و امثالهم می‌توانند در گروه‌های مختلفی تکرار شوند. پس از شناسایی اصول و ارزش‌ها بایستی تعاریف آنها طبق متون و نظر دانشمندان و محققین و پژوهشگران و فلاسفه و مفسرین و فقها و عرفا و هنرمندان و صاحب‌نظران هر رشته تبیین و دسته‌بندی شوند. و در نهایت نحوه تجلی کالبدی بخشیدن به اصول و ارزش‌ها در محیط موضوعی خواهد بود که به عنوان تفسیر تعالیم اسلامی

در محیط و فضا و کالبد وظیفه شهرسازان و هنرمندان و معماران با توجه به زمان و مکان و امکانات در دسترس خواهد بود. با عنایت به آنچه گذشت، به عنوان مثال برای شروع تحقیق، ذیلاً برخی از اصول معرفی خواهند شد و تعبیری در مورد تعاریف بعضی از آنها (به عنوان نمونه) که استفاده از آنها را در معماری و شهرسازی توجیه می‌نمایند بیان خواهد شد.

**عدل:** مفهوم عدل و سایر مفاهیم مشتق از آن همچون تعادل و اعتدال از صفات اولیه و بنیادین و خلل‌ناپذیر فعل الهی هستند.<sup>(۲۸)</sup> با توجه به معنای لغوی و شمولیت عدل که می‌تواند بر کلیه افعال و حتی افکار و آراء انسان حاکم باشد، اهمیت آن مشخص می‌گردد. فی‌الواقع عدل را می‌توان به عنوان ویژگی و صفت اساسی برای کلیه اصول و فعالیت‌ها مطرح کرد. چنانچه نظم مطلوب آن است که حداعلای عدل در آن ملحوظ شده باشد.<sup>(۲۹)</sup> در بیان اعتدال متجلی در فعل الهی، علامه طباطبایی (ره) معتقد است: یکی از موارد تدبیر او این است که انسان را با همه اجزا وجودش خلق کرد و سپس به تسویه‌اش پرداخته، هر عضو را در جای مناسبش که حکمت اقتضای آن را دارد قرار داد و سپس به عدل‌بندی او پرداخته بعضی از اعضاء او را و بعضی از قوایش را با بعضی دیگر معادل قرار داد، بین آنها توازن و تعادل برقرار کرد.<sup>(۳۰)</sup> و خلقت هر چیز به معنای گردآوری اجزای آن و در جای خود قرار دادن هر جزء است به نحوی که اثر مطلوب را از هر جای دیگر بهتر بدهد و خداوند تبارک و تعالی آنچه را خلق کرده که با آن اندازه‌ها مناسب باشد.<sup>(۳۱)</sup> ملاحظه می‌شود که با توجه به مجموعه محیط مصنوع که متشکل از بسیاری اجزاء و عناصر است که به هر حال بایستی به گونه‌ای با یکدیگر ترکیب و جمع و ترکیب شده و کل کالبد هر مجموعه زیستی را بوجود آورند (به عنوان درجه‌ای از درجات خلق کردن) اصل عدل چه نقش حیاتی و مهمی را در ایجاد کارآیی و بازدهی

مطلوب مجموعه زیستی و معنادار بودن آن ایفا می‌نماید.

**شأن انسان:** آیاتی از قرآن کریم به ارزش و مقام انسان در عالم وجود اشاره نموده‌اند.<sup>(۳۲)</sup> و لذاست که محیط مصنوع بایستی به گونه‌ای باشد که ضمن تأکید بر مقام و ارجحیت انسان بر مصنوع خویش عاری از عوامل تحقیر و انحطاط معنوی او باشد. عواملی که در تضاد با شأن انسان در محیط هستند عبارتند از: تسلط مصنوع بر انسان، و تأکید انحصاری بر بعد مادی حیات.<sup>(۳۳)</sup> مروری بر معماری و شهرهای دوره اسلامی بیانگر آن است که توجه به شأن و مقام انسان و ارجحیت او در برابر ساخته خودش موضوعی است که در غالب موارد لحاظ می‌شده است. این موضوع به جهت گسترش تفکر انسان‌گرایانه نبوده است، بلکه عمدتاً ناشی از نگرش مسلمین به انسان به عنوان خلیفه‌الله بوده است. و اعتقاد به این موضوع که جعلی فعالیت‌ها و تولیدات انسانی بایستی به گونه‌ای در راه رشد و تعالی و کمال انسان عمل نمایند. در این راه گام اول آن است که پدیده‌ای (به ویژه پدیده‌ای انسان ساخته و مادی) نتواند از سنت الهی<sup>(۳۴)</sup> گامی فراتر نهاده و سلطه‌ای بر انسان بیابد. بدین ترتیب ابعاد و تناسبات فضاهای متشکله بنا و شهر مسلمین فشاری را بر انسان تحمیل نمی‌نمایند، بلکه القاکننده تعادل و توازن و بالتجیه آرامش هستند. این آرامش به هنگام حرکت در فضاهای عمومی و معابر بافت‌های تاریخی شهرها کاملاً محسوس است و انسانی که در این فضاها قرار می‌گیرد به هیچ‌وجه احساس غربت نمی‌کند.

**هویت:** هویت انسان (فرد و جامعه) و به ویژه هویت معنوی، موضوعی است که در جهت اهمیت دادن به شأن انسان و به عنوان زمینه‌ساز رشد و تعالی او اهمیت دارد. عوامل در تضاد با معنای معنوی هویت عبارتند از خودبیگانگی، تشبیه و تشبه و به اجانب، و فردگرایی.<sup>(۳۵)</sup> آثار معماری و شهرهای تاریخی

مسلمین درجات مختلفی از هویت جامعه مسلمین و عقاید آنان و همچنین محیط زندگیشان را به نمایش می‌گذارند.

ابنیه و عمارات هویتی آنچنان غنی و قوی و روشن را ارایه می‌نمایند که اکثریت محققین به تمایز بارز معماری مسلمین و سایر تمدن‌ها تأکید می‌ورزند و بر آن صحه می‌گذارند. مساجد و بقاع متبرکه مسلمین (در مقایسه با عبادتگاه‌های سایر تمدن‌ها) و همچنین مساکن و مدارس و بازارها و مجموعه‌های شهری مسلمین، گونه و سبکی خاص از اصول و ارزش‌های واحد و خاصی را برای ساخت آنها به ناظر القاء می‌نمایند. علاوه بر عمارات و تک بناها، بافت‌های شهری نیز، هم هویت خاص خویش را دارا بوده و هم اینکه با تبعیت از ارزش‌های مشابه و همخوان و هماهنگ وحدتی را به نمایش می‌گذاشتند که هر ناظری را متوجه تشابه و هویت خاص مجتمع‌های زیستی مسلمین و تفاوتشان با شهرهای سایر ملل می‌نموده است. این تفاوت‌ها، در سیمای ظاهری و اشکال و اجزاء معماری و در عناصر و سازمان فضایی شهرها و اصول حاکم بر آنها و بسیاری موضوعات دیگر که به برخی از آنها اشاره می‌شود به سهولت قابل پی‌جویی و مشاهده هستند.

زیبایی: سخن در باب زیبایی حقیقی (که با زینت و زیور و تعجب و شگفتی و فایده و امثالهم اشتباه نشود)<sup>(۳۶)</sup> بسیار است. لکن بطور اجمال می‌توان گفت که زیبایی فی‌الواقع تجلی کمال و خیری است که این کمال و خیر در حقیقت از صفات حضرت احدیت هستند. بنابر این هر شیء آنگاه به زیبایی متصف خواهد بود که بتواند آینه صفت خداوند باشد.<sup>(۳۷)</sup> اصداد زیبایی را در زشتی و شیطانی بودن اشیاء که با زینت و زیور انسان را به مادیت صرف سوق می‌دهند می‌توان جست و جو نمود.<sup>(۳۸)</sup> هنرمندان مسلمان با الهام از تعالیم اسلام همواره در پی آن بوده‌اند تا معنای

معنوی و آسمانی مستتر و مستور در حجاب ماده را به نحوی آشکار کنند. در واقع معمار مسلمان در پی آن نبوده تا با زینت اشیاء و اشکال و فضاها، زشتی‌ها و مادیت آنها را بپوشاند. بلکه با شفافیت و صیقلی نمودن و شکل دادن مواد و نمایش تذکره‌هایی روحانی در صدد بوده است تا الهامی روحانی و معنوی را به سمت ناظر هدایت نماید و بدین وسیله زیبایی را به نمایش بگذارد. زیبایی و جمالی که در عین توازن و تعادل و هماهنگی با انسان و طبیعت و محیط مصنوع، آرامش را به انسان القا می‌نموده است. آثار هنری مسلمین و از جمله غالب عمارات و فضاها، شهری‌شان، به هیچ‌وجه محرک حواس ظاهری انسان در جهت بیداری غرایز و مشتبهات نبوده است، بلکه بالعکس ضمن القاء آرام‌بخشی به انسان نمایشی از تنزیه الهی بوده است.

پاکی: طهارت و طیب بودن و پاکی موضوعی است که هم در ظواهر و مادیات و هم در بواطن و عالم معنای مرتبط با انسان مورد تأکید مکرر تعالیم اسلام قرار گرفته است. عوامل متضاد با این ارزش را هم در انواع آلودگی‌ها و بلبندی‌های مستقیم و عینی و مادی و هم در عواملی که زمینه‌ساز بروز بلبندی‌ها و گناه یا دوری از معنویت هستند می‌توان پی‌جویی نمود. گذشته از پاکی ظاهر، به جهت تمرکز و تأکید تعالیم اسلام بر پاکی و طهارت و تزکیه باطن، شهرهای مسلمین نیز همواره در پی نمایش پاکی و تطهیر جنبه‌های مادی و دنیوی زندگی با تکیه بر جنبه‌های معنوی حیات بوده‌اند. فی‌المثل مجاورت مسجد و بازار و مدرسه و دارالاماره اهل شهر را به ارزش‌های معنوی متذکر گردیده و در تقلیل مادیت فعالیت‌ها و جهت دادن آنها به سمت حیات معنوی ایفای نقش می‌نموده است. علاوه بر آن الهام از اصول و اشکال حاکم بر معماری اماکن مقدس، برای ساخت سایر عمارات اعم از مسکن و بازار و حمام و کاروانسرا و امثالهم نوعی ارتقاء کیفی معماری

و محیط و تطهیر آنها از مادیت صرف بوده است. تذکر: از آنجایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست به تسبیح و ذکر و حمد خداوند تبارک و تعالی مشغولند،<sup>(۳۹)</sup> و با توجه به معنای ذکر،<sup>(۴۰)</sup> یکی از مختصات معماری قدسی تذکر دادن مداوم انسان به ارزش‌ها و جلوگیری از غفلت انسان و غوطه‌ور شدن وی در بعد مادی حیاتش است. به تبعیت از این اصل، معماری و شهر تاریخی مسلمین همواره اهل خویش را به اصولی والا متذکر می‌گردیده است. این تذکر از راه‌های متفاوتی صورت می‌پذیرفته است. همجواری عناصر معنوی و روحانی شهر با عناصر پاسخگو به جنبه‌های مادی حیات، یکی از موارد تذکر دهنده ارزش‌های معنوی به اهل شهر بوده است. وجود عناصر متذکر منحصر به اجزاء معماری نبوده و حتی فضاها و شهری را نیز در بر می‌گرفته است. فی‌المثل جایگیری حسینیه‌ها و تکایا در تقاطع و در طول معابر و حتی در تقاطع راسته‌های بازار بر زنده نگاه داشتن ارزش‌ها و اصول حیات معنوی و تذکر مکرر و مداوم آنها تأکید داشته‌اند.<sup>(۴۱)</sup> از سوی دیگر تسلط کالبدی و روانی عناصر معنوی و مذهبی (به ویژه مسجد به عنوان نماد معنویت اسلام) بر کالبد شهر. ضمن اعلام رجحان جنبه معنوی حیات بر بعد مادی آن ارزش انسان را در مقابل ساخته خویش به نمایش می‌گذارد. مضافاً اینکه بهره‌گیری از آیات کلام الهی به همراه هنرهایی همچون خطاطی، گچ‌بری، آجر کاری و کاشی‌کاری در جهت تذکر مفاهیم و ارزش‌های معنوی و الهی و به تعبیر بورکهاردت ریشه‌ای روحانی بوده است که در لحظات زندگی مردم جاری بوده است. بهره‌گیری از عناصر نمادینی که معانی والای معنوی در خویش مستتر دارند روش دیگری در متذکر ساختن انسان به ارزش‌های معنوی بوده است و علاوه بر اینها آزمایشی که در فضاها و مختلف از مسکن گرفته تا مدرسه و مسجد و معبر و میادین شهری برای انسان فراهم بوده، به همراه

مجاورت و تماس نزدیک انسان با عناصر طبیعی و عناصر نمادین امکان تفکر و بالتجربه یادآوری (تذکر) اصول و ارزش‌ها را برای اهل شهر فراهم می‌نموده است.

وحدت: وحدت و یکپارچگی و جامعیت و کلیت عالم وجود، همواره به عنوان دلیلی بر وجود خالق و یکتایی او ذکر شده است. علی‌ایحال وحدت‌گرایی به عنوان تجلی تفکر توحیدی در اعمال و رفتار و آثار مسلمین همواره یکی از نکات اصلی و مورد توجه بوده است.<sup>(۴۲)</sup> اضداد وحدت را در تفرقه و تشتت و منیت و جزء‌گرایی و هر آنچه که وحدت جامعه و شهر را خدشه‌دار نموده و ذهن انسان را از تمرکز و توجه بر وحدت منحرف نماید، می‌توان جستجو کرد. تجلی تفکر توحیدی در معماری و شهرهای تاریخی مسلمین را در دو مقوله عمده می‌توان مورد توجه قرار داد. اول وحدتی که امکان تجلی آن در اجزاء و عناصر و کل یک عمارت وجود دارد، و دوم وحدتی که می‌تواند در کالبد شهر متجلی باشد. این وحدت‌های کالبدی زمینه‌های دیگری از وحدت را به نمایش می‌گذارند و یا به عبارتی در تجلی آنها ایفای نقش می‌نمایند که عمدتاً عبارتند از وحدت جامعه و وحدت محیط (وحدت بین انسان و طبیعت و معماری). وحدت و یگانگی در عین کثرت و تنوع در غالب ابنیه و عمارات با ارزش و تاریخی مسلمین اعم از کاشی‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها، آجرکاری‌ها، خطاطی‌ها، در و پنجره‌ها، فضاها و پر و خالی، سایه روشن‌ها، همجواری و ارتباط عناصر، عناصر متشکله مراکز محلات و مرکز شهر و کل شهر تجلی داشته است. کل شهر با بهره‌گیری از عوامل و عناصر و اصولی همچون هماهنگی و محدودیت مصالح، ارتفاعات متناسب، درونگرایی، تناسب هندسی خاص، پرهیز از شمایل‌ها، استفاده از اشکال نمادین و آشنا و معنادار و امثالهم، در عین کثرت، کالبدی را به نمایش گذارده بود که جملگی آن در سایه

و مرکزیت عناصر مذهبی شهر (غالباً مسجد جامع) به وحدتی خاص و متمایز از سایر مجتمع‌های زیستی می‌رسید.

**اصلاح:** اصلاح در زمین یکی از مهمترین وظایفی است که قرآن کریم برای انسان برمی‌شمارد.<sup>(۴۳)</sup> اصلاح در زمین که طبیعتاً عمل صالحی است موضوعی است که در کنار ایمان به خدا بارها در قرآن مجید تکرار شده است.<sup>(۴۴)</sup> مهمترین و پلیدترین ضد برای "اصلاح"، "فساد" در زمین است که انسان به شدت از آن نهی شده است.<sup>(۴۵)</sup> تسلط تفکر اسلامی و روح منبعث از آن بر مسلمین همواره آنان را به سمتی هدایت نموده است که به ماده و ابزار در دسترس به عنوان نعمات الهی نگریسته و در عین حالی که از آنها در جهت کمال خویش (با بیان و تجلی رموز و نمادها) استفاده کرده‌اند، استعمال مواد را نیز مد نظر داشته‌اند. مسلمین به تبعیت از فرموده نبوی که می‌فرماید: خداوند بر من منت نهاد و سراسر زمین را برای من مسجد قرار داد.<sup>(۴۶)</sup> همواره در پی آن بوده‌اند که در این سجده‌گاه الهی در راه اصلاح گام بردارند و فضای زندگی خویش را باردار برکات الهی نموده و محیط را آماده و مهیای نزول آنها نمایند. در همین راستا بوده است که همواره ابنیه و فضاهای با عملکرد مادی (مثل بازار) با حضور مساجد و تکایا و همچنین با بهره‌گیری از اشکال آشنای معماری مساجد، تلطیف می‌شده است. عملکردهای آلوده هیچگاه در مجاورت فضاهای مقدس و پاک قرار نمی‌گرفتند، معماری بسیاری عناصر همچون مدارس و کاروانسراها، خانه‌ها و حتی بازارها از معماری مساجد متأثر بوده است، استفاده از اشکال و فضاهای با معنای نمادین در حد اعلای خود در معنا بخشیدن به محیط و فضای زندگی ایفای نقش می‌نموده‌اند، ارتباط انسان و طبیعت دچار گسستگی و انقطاع نشده و این ارتباط در فضاهای مختلف از واحد مسکونی تا کوچه و محله و شهر

برقرار بوده است، و خلاصه آنکه معمار مسلمان همواره سعی در کمال بخشیدن به ماده و جنبه مادی و دنیوی حیات داشته است.

**شکر:** با اندکی توجه به معنی و مصادیق شکر در فرهنگ اسلامی به راحتی می‌توان از این ارزش والای اسلامی به عنوان شکر عملی و اصلی در جهت شکل بخشیدن به کالبد مجتمع‌های اسلامی بهره برد، و از ضد آنکه کفران و ناسپاسی است اجتناب کرد.<sup>(۴۷)</sup> یکی از موضوعاتی که می‌تواند در این مقوله مطمح نظر قرار گیرد عبارت از دقت در انتخاب مصالح و مواد و نحوه استفاده از آنهاست. این تناسب را می‌توان در مقولات عدیده‌ای همچون هماهنگی مصالح با یکدیگر، هماهنگی مصالح با اقلیم، هماهنگی مصالح با حواس و نیازهای انسان، و استفاده از مصالح بومی و محلی مورد توجه قرار داد. این نکته‌ای است که در بافت‌های تاریخی بلاد مسلمین در حد اعلای خود رعایت می‌شده است. و این در عین حالی بود که علی‌رغم محدودیت مصالح که به کالبد شهر هویت و شخصیت واحد و هماهنگ و متوازی می‌بخشید، با بهره‌گیری از تنوع اشکال و فضاها و با رعایت تناسب هندسی و عملکردی، کالبد شهری یکنواخت و کسالت‌آور را به نمایش نمی‌گذارد. این نحوه استفاده از مصالح سبب می‌گردید تا در عین ظهور و تجلی هویت وحدت‌گرایانه برای جامعه و کل شهر، امکان بروز و رشد فردگرایی و امکان "من" گفتن عناصر کالبدی (به ویژه عناصر با عملکرد مادی را) مرتفع می‌شود. نگاهی اجمالی به معماری و شهرهای تاریخی بیانگر هماهنگی کامل مصالح و اشکال با اقلیم و ایجاد شرایط مناسب زیست برای انسان در اقلیم سخت بوده است. و این موردی است که (در صورت عدم استفاده از وسایل مکانیکی) امروزه در کمتر شهری قابل مشاهده است. حیا و تواضع: به تبع تعالیم اسلام که نهی کننده تقاخر و



با توجه به اینکه توضیح جملگی اصول و ارزش‌ها سبب اطاله کلام خواهد شد و با عنایت به اینکه هدف مقاله تنها معرفی منابع و نحوه اصول و ارزش‌های معماری قدسی و شهر اسلامی از آنها است، ذیلاً به ذکر نام برخی دیگر از آنها پرداخته و توضیح و تکمیل آن به وقتی دیگر احاله می‌شود، و به منظور معرفی بهتر ارزش‌های فوق‌الاشاره، در انتهای مقاله تصاویر معدودی از معماری شهرهای ایران تقدیم می‌گردد. اسامی برخی دیگر از ارزش‌های اسلامی مؤثر بر عمارات و شهرهای مسلمین عبارتند از: امنیت، اندازه، مقدار، حساب، حق بودن، باطل نبودن، بیهوده نبودن، پوشیدگی، شخصیت داشتن، معنادار بودن، سلسله مراتب، حد داشتن متوازن بودن، متانت، تواضع و قس علیهذا.<sup>(۲۹)</sup>

باقی این غزل ای مطرب ظریف

زینسان همی شمار که زینسانم آرزوست

تکبر و خودستایی و ریا است. معماری اسلامی متواضعانه به درون توجه نموده و با حیایی خاص از نمایش خویش و درون خویش به بیگانه احتراز می‌جوید. این درونگرایی نه فقط در مسکن که در سایر عمارات نیز تسری یافته است. ممکن است درونگرایی معماری مسلمین به شرایط اقلیمی، نسبت داده شود. این موضوع که امری کاملاً طبیعی است می‌تواند قسمتی از حقیقت باشد. زیرا چنانچه گذشت یکی از اصول معماری عبارت از ایجاد هماهنگی بین انسان و طبیعت و معماری و محیط زندگی است. بنابر این معماری مسلمین علاوه بر این که به شرایط اقلیمی مناسب‌ترین پاسخ را داده است، توانسته است تا شرایط ایمن و امن مناسبی را در مقابل (حتی نگاه) دیگران فراهم آورد. این در حالی است که این سبک از معماری به زیبایی تمام، توجه و تمرکز به باطن و سیر در درون (انفس) را به عنوان اصل و ارزشی اسلامی<sup>(۲۸)</sup> به نمایش می‌گذارد.

#### ۴. در خاتمه

را حول یک محور واحد هم جهت و همسو نمایند. نهادها و افراد ذریبند را می‌توان تحت عناوین عمده زیر دسته‌بندی کرد: نهادهای آموزشی، محققین و پژوهشگران در رشته‌های مختلف علوم و هنرها، نهادهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی و نهایتاً افراد معتقد به ره سپردن در این راه، که پس از وضوح موارد فوق و در جهت تدوین نحوه حرکت می‌توان زمینه‌های مطالعاتی و اجرایی مناسب را به مشتاقان معرفی نمود.

د. مراکز آموزشی با بازنگری جدی و بسادین در متون و برنامه‌های درسی و شلق فرصت‌های مناسب برای اساتید و دانشجویان علاقه‌مند می‌توانند رسالت خویش را در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز کشور و بازپروری نیروهای دست‌اندرکار مشتاق به انجام رسانند. نهادها و تشکیلات اجرایی نیز با بهره‌گیری از تحقیقات به نمر رسیده، و با ارجاع سئوالات خویش به مراکز آموزشی و محققین، جهت یافتن پاسخ مناسب و با ارتقاء کیفیت دانش کادر خود و با تشویق و ترغیب طراحان به رعایت اصول و ارزش‌های فرهنگی و پیشگیری و ممانعت قانونمند از تخطی‌ها کم‌کم شایان توجهی به تحصیل هدف مورد نظر خواهند نمود.

ه. یکی از عوامل مهم، در دسترس بودن منابع مطالعه اعم از مکتوب و غیر مکتوب داخلی و خارجی مشتمل بر کتاب و نقشه و عکس و اسلاید و فیلم و تحلیل و ارتباط مداوم و سایر وسایلی است که دانش و فن روز در اختیار قرار می‌دهند. در جهت ارتباط مناسب اندیشمندان و محققان و به تبع آن ارتباط صحیح جامعه فرهنگی و علمی با عامه مردم و ترویج ادبیات مسیحیح و زبان مشترک، انتخاب معادل مناسب واژه‌های بیگانه ضرورت دارد.

ح. فرهنگ به عنوان فضا و بستر فعالیت‌های جامعه، مشتمل بر معانی و ارزش‌ها و اصولی است که احاد جامعه را به یکدیگر پیوند داده و هویت واحد به آنها می‌بخشد. علاوه بر آن، ارزش‌های فرهنگی مبین نحوه

در جهت تبیین مختصات اصلی روش بهره‌گیری از متون و شناسایی مختصات معماری و شهرسازی تاریخی مسلمین و استفاده از آنها در تبیین مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی که توسط آنها بتوان به ظهور معماری و شهر با هویت اسلامی برای عصر حاضر جامه عمل پوشاند، توصیه‌هایی تقدیم می‌گردد: الف. هدف عبارت از تبیین و تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی بر اساس تعالیم و ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و تعریف اصول و معیارها و آنگاه معرفی ضوابط عام و خاص، به گونه‌ای که در نهایت بتوان اولاً تعریفی روشن از شهر و معماری اسلامی ارایه نمود و ثانیاً معیارهایی را برای ارزیابی وضع موجود محیط مصنوع، و برای ارزیابی الگوها و آراء وارداتی و همچنین برای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های جدید چه برای بهسازی و چه برای محیط‌های جدید تدوین نمود.

ب. با بررسی و غور در منابع موجود و تجربیات قابل دسترسی، این نکته روشن می‌شود که در این وادی، محقق تقریباً در ابتدای راه است و جز معدودی تحقیقات و تجربیات (اعم از مکتوب و غیر مکتوب) کار جامع و بنیادینی که بتواند راهنمای معماران و طراحان قرار گیرد، انجام نشده است. بنابر این یکی از نیازهای اساسی معماری و شهرسازی، به ویژه برای آن گروهی که بخواهند مبنای کار را مقابله با حجم‌های همه‌جانبه مادی گرایانه و دنیوی قرار داده و به ایجاد محیط و فضایی بیندیشند که تجلیگاه ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد، وجود تشکیلاتی است که توان اجرایی داشته باشد و بتواند تئوری‌های ارایه شده را تجلی کالبدی ببخشد.

ج. امکانات در اختیار نیز بستگی تام به هماهنگی و همکاری نهادها و افراد ذریبند دارد تا بتوانند نیروی انسانی و منابع مالی و از همه مهمتر پشتوانه‌های معنوی

نگرش انسان به محیط و پدیده‌ها بوده و روابط انسان با محیط را هدایت می‌نماید. فرهنگ یک جامعه حاوی معانی نمادینی است که جامعه برای اعمال و آثار خویش می‌شناسد.<sup>(۵۰)</sup> بنابراین یکی از مهمترین مقولات عبارت از ارتقاء فرهنگ عمومی در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به مفاهیم و اصول و ارزش‌های معنوی که مبین حقایق و معانی روحانی برای اشیاء و اشکال و مفاهیم است. به بیان دیگر تغییر تلقی جامعه نسبت به معماری، شهر و در یک کلام نسبت به محیط زندگی، نیاز اساسی جامعه معاصر است.

### پی‌نوشت‌ها و مراجع

۱. معیارهای مادی طراحی غالباً با توجه به اصول و عوامل مادی و بدون توجه به معانی که این اصول و عوامل از آنها ناشی شده‌اند، تدوین می‌شوند. در حالی که جاذبه‌ها برای این استفاده از معیارها از پایداری و بارهای دسته‌دو به عنوان اولویت‌ها در استفاده قرار گرفته‌اند. فی‌الواقع برداختن به عوامل و معیارهای مادی بدون توجه به تعاریف که هر یک از آنها از پدیده‌ها می‌سازد، غرضی غیر اصولی است.

۲. رجوع کنید به:

- نفی‌زاده، محمد، احیاء ارزش‌های اسلامی، هدف‌گیری معهود در برنامه‌های عمران شهری، (مطالعه موردی: توسعه‌های شهر و معاصر)، همایش بیجا سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۷

- نفی‌زاده، محمد، ویژگی‌های کیفی مسکن (اهداف معهود در تعریف مسکن بهبه)، دومین جشنواره مهندسی ساختمان، تهران ۱۳۷۸

۳. انسان مورد اشاره در این گفتار آن اندامی نیست که شدن غریب بعد از - سانس (انسان جایزترین خدا) معرفی می‌دند، بلکه مراد انسان "خلیفه الله" است که در عین حالی که آسمان‌ها و زمین مسخر او قرار داده شده است، اوج کمالتش در عبودیت حضرت حق حل و علا به منصف ظهور می‌رسد.

۴. هنر دینی، اصلی آسمانی و ملکوتی دارد زیرا نمونه‌های هنر دینی جلوه حقایق لاهوتی است. هنر دینی با تجزید و تکرار آفرینش یا "صنع الهی" به صورت مجمل در قالب تمثیلات، نشان دهنده ذات ره‌زی و نمادی جهان است. [پورکهاردت، تیتوس (ترجمه ستاری، جلال)، مداخلی بر اصول و روش هنر دینی، در تاجدینی، علی (گردآورنده)، مبانی هنر معنوی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران،

۱۳۷۲، ص ۱۰۰

۵. موضوعی که سالیان متمادی است که به عنوان بلبه‌ای در حال مستحکم شدن در معماری سنتی معاصر اسلامی و از جمله ایران است.

۶. برای مطالعه در زمینه نفوذ رشد از خودیگانگی در معماری و شهرسازی مسلمان و غفلت از تجارت سایر ملل رجوع کنید به: - Fathy, Hassan. Constancy, Transposition and Change in the Arab City. in Brown, Carl L. (ed). From Madina to Metropolis: Heritage & Change in the Near Eastern City. The Darwin Press, New Jersey. 1973

- Haider, S. Gulzar. Habitat and Values in Islam: A Conceptual Formulation of an Islamic City. In Sardar, Ziauddin (Ed). The Touch of Midas. Manchester University Press. Manchester. 1984.

- Abu - Lughod, Janet. Cairo: Perspective and Prospects. in Brown, L. Carl (ed). From Madina to Metropolis: Heritage and Change in the Near Eastern City. The Darwin Press, Princeton, New Jersey. 1973

۷. لازم به یاد آید که اصل مطالعات تحریکات، موانع بشری پدید می‌آید. معیارها و اصول مستخرج از منابع اسلامی مسکن، خود را در آن دسته از حایز به ابراهیم که معیاری با ارزش هر دو داشته باشند به کار گرفته شوند.

۸. معماری و شهرسازی یکی از مصادیق بارز نمایش ویژگی‌های فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. رجوع کنید به:

- پورکهاردت، تیتوس (ترجمه نسور، سیدحسین)، ارزش‌های حایز هنر اسلامی، در تاجدینی، علی (گردآورنده)، مبانی هنر معنوی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۲

- پوریا، محمدکریم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشگاه هنر و صنعت ایران، تهران، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۵، پیشین (۴)

۹. ذلک‌الکتاب لاریب فیه هدی للمفتین (قرآن کریم، ۲۲)

۱۰. تهجاً بلاغاً خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه حضرت علی علیه‌السلام، (ترجمه فیض‌الاسلام، سید عینقی)، زرین، تهران، ۱۳۵۱، خطبه ۱۵۷، ص ۵۰.

- همچنین رجوع کنید به کلیدی الرازی (ره)، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق، اصول کافی (جلد اول)، دفتر نشر فرهنگ اهلی بیت (ع) تهران، ۱۳۴۸، صص ۷۸ و ۷۶ و ۶۳ در باب احادیث وارده از معصومین (ع) در مورد قرآن و جامعیت آن در پاسخگویی به مسأله مبتلا به امور مسلمین.

ایضاً رجوع کنید به: طباطبائی (ره) [علامه] سیدمحمدحسین، تفسیر شریف المیزان:

- جلد ۹ (ترجمه حجتی کرمانی، محمدجواد)، دارالعلم، قم، ۱۳۴۸،



ذیل آیات ۸۴-۸۱ سوره نساء

جلد ۳۵ (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر) محمدی،

تهران: ۱۳۶۰، ذیل آیات ۱۱-۷ سوره شورا

- جلد ۴۰ (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر)، محمدی،

تهران، ۱۳۶۲، ذیل آیات ۲۹-۱۵ سوره تکویر

۱۱- در مورد حقایق ثابت جهان رجوع کنید به مطهری، [شهید]

مرتضی (ره)، اسلام و مقتضیات زمان، صدر، تهران، ۱۳۶۲

در باب ثابت بودن احکام و قوانین الهی مرحوم علامه طباطبایی

(ره) می‌فرماید: خدای تعالی به مقتضیات هر عصر و روزگاری

احکامش را عوض نمی‌کند. [طباطبایی (ره) علامه] سیدمحمد

حسین، تفسیر شریف المیزان، جلد ۱۲ (ترجمه موسوی همدانی،

سیدمحمدباقر)، محمدی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۳

برای حلقه در مورد نوگرایی در تفکر اسلامی رجوع کنید به:

جعفری تبریزی (ره)، [علامه] محمدتقی، تفسیر و نقد و تحلیل

متنوی جلال‌الدین محمد مولوی، جلد ۱، انتشارات اسلامی،

تهران، ۱۳۶۱، جلد ۱۲، انتشارات اسلامی - تهران، ۱۳۵۶ و جلد

۱۲، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۲

۱۲- برای توضیح بیشتر رجوع کنید به:

Serageldin, Ismail. Faith and Environment of Muslims in

Serageldin, Ismail (ed) Space of Freedom. Geneva. 1989

۱۳- در مورد مختصات معارف قرآن مجید و نحوه و شرایط

بهره‌گیری از آن علاوه بر موارد مذکور رجوع کنید به: قرآن مجید،

۶، ۵۹، ۱۵۵، ۱۶، ۸۹، ۱۸، ۵۴، همچنین به فرمایشات حضرت

علی (ع) در نهج البلاغه، روایات اصول کافی و مباحث تفسیر

المیزان.

۱۴- سنت رسول (ص) توسط علمای اسلام در ردیف کتاب الهی

قرار گرفته است چنانچه علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: تمسک

جستن به آیات خدا و رسولش (یعنی کتاب و سنت) توسل به خدا

سوده و شخص متمسک را بطور حتم و ضروری می‌کند.

[طباطبایی (ره)، [علامه] سیدمحمدحسین، تفسیر شریف المیزان،

جلد ۶ (ترجمه نیری بروجردی، عبدالکریم)، دارالعلم، قم، ۱۳۲۶،

ص ۲۸۰ همچنین رجوع کنید به حدیث معروف نقلی: اثنی تارک

فیکم الثقلین کتاب‌الله و عترتی اهل‌البیت ان یفترقا حتی یردا

علی الحوض ان تمسکنم به لن نضلوا بعدی.

۱۵- از جمله رجوع کنید به قرآن مجید، ۳: ۱۳۷، ۱۶: ۳۶، ۲۷: ۶۹

عسیر آیات

۱۶- نهج البلاغه، پیشین (۱۰)، نامه (وصیت) ۳۱، ص ۹۱۴

۱۷- "طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة" و "اطلب العلم ولو

بالتصنی"

۱۸- رجوع کنید به نقی‌زاده، محمد، مقدمه‌ای بر روایت‌های شهر

اسلامی در توسعه‌های شهری معاصر، فصلنامه‌نامه فرهنگستان

علوم ایران، شماره ۱۳، ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۸

۱۹- چنانچه خواهد آمد برای بسیاری از اصول و ارزش‌های

اسلامی می‌توان تقابلی مرتبط با معماری و شهرسازی یافت از

جمله رجوع کنید به:

- امین‌زاده گوهرریزی (بهناز)، برانی (ناصر) و نقی‌زاده (محمد)،

شناسایی اصول و مفاهیم شهرسازی اسلامی، رساله کارشناسی

نرشد، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

- نقی‌زاده، محمد، صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، مجله

هنرهای زیبا، شماره‌های ۴ و ۵ زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸

- Aminzadeh, B.G. The concept of Unity in Islamic

Religious precincts. Unpublished PhD Thesis. The

University of New South Wales. Sydney. 1995.

- Naghizadeh, Mohammad. Principles of Contemporary

Islamic Urban Design. Unpublished PhD Thesis. The

University of NSW. Sydney. 1995

۲۰- رجوع کنید به:

- نقی‌زاده، محمد، مختصات نظم در شهرسازی اسلامی، سیمینار

سن‌المللی شهرها و مردم، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۶

- Ardafan, Nader and Bakhtiar, Laleh. The Sense of

Unity. The University of Chicago Press. Chicago. 1979

۲۱- پیشین، Naghizadeh, ۵۵

۲۱- بزرگهارت، ۱۳۷۲، پیشین (۱)

۲۲- نهج البلاغه، پیشین (۱۰)

۲۳- در زمینه عدم جواز پذیرش ولایت کفار و مشرکین رجوع کنید

به تفسیر المیزان ذیل آیات ۳۲، ۲۸، ۱۱۰-۱۰۳ سوره آل عمران،

۵۲- ۵۱ سوره مائده، ۵۸- ۲۴ سوره فرقان، ۵۴- ۲۱- ۷۵- ۷۲

سوره انفال و ۴۰- ۲۲ سوره نحل

۲۴- نصرت، سیدحسین (ترجمه آوینی، سیدمحمد) هنر قدسی در

فرهنگ ایران، در آوینی، سیدمحمد (مترجم و گردآورنده)،

جاودانگی و هنر، برگ، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶ همچنین در مورد

تأثیر تفکر اسلامی در دگرگونی شهرهای فتح شده به دست

مسلمین رجوع کنید به:

- بزرگهارت، ۱۳۷۲، پیشین (۸)، پیرنیا، ۱۳۷۲، پیشین (۸) حبیبی،

سید محسن، از شمار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۰۵ و

Alsayed, Nezar. Cities and Caliphs on the Genesis of

Arab Muslim Urbanism. Greenwood Press. New York.

1991

۲۵- رجوع کنید به طباطبایی (ره) [علامه] سیدمحمدحسین،

تفسیر شریف المیزان، جلد ۷ (ترجمه صالحی کرمانی،

محمدرضا)، دارالعلم، قم، بنیاد ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران

۲۶- جعفری تبریزی (ره) [علامه] محمدتقی، زیبایی و هنر از

۲۰ - ذکر حاضر کردن صورتی است که بعد از غیبت از ادراک در ذهن حفظ شده، با نگهداشتن صورت حاضر در ادراک است که پنهان ننهد. (طباطبایی (ره) [علامه] سیدمحمد حسین، تفسیر شریف المیزان، جلد ۴ (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمد باقر)، دارالعلم، قم، بی‌تا

ص ۵۶) پس شهر اسلامی باید برای اهلس به عنوان مذكر عمل کند.

۴۱ - در مورد نقش حسینی‌ها و تکابا در تجلی (تذکر) مفهوم وحدت در شهرهای ایرانی رجوع کنید به. Aminzadeh, 1995 پیشین (۱۹)

۴۲ - رجوع کنید به نصر، سیدحسین، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹ و Aminzadeh, 1995 پیشین (۱۹)

۴۳ - قرآن مجید از فساد در زمین پس از اصلاح آن نهی می‌فرماید، از جمله قرآن کریم، ۷: ۵۶ و ۸۵

۴۴ - آیات مکرری از قرآن کریم عمل صالح را در کنار ایمان قرار داده است از جمله: قرآن کریم، ۲: ۲۵، ۲: ۶۲، ۳: ۵۷ و بسیاری آیات دیگر

۴۵ - قرآن کریم در آیات متعددی انسان را از فساد در زمین نهی می‌فرماید، از جمله: قرآن کریم، ۲: ۱۱، ۲: ۶۰، ۷: ۷۲، ۱۱: ۸۵ و ۲۸: ۷۷

۴۶ -

۴۷ - علامه طباطبایی (ره) در معنی شکر می‌فرماید: شکر عبارتست از به کار بستن هر نعمتی در جای خودش به طوری که نعمت و ولی نعمت را بهتر وانمود کند. (طباطبایی (ره) [علامه] سیدمحمد حسین، تفسیر شریف المیزان، جلد ۳۲ (ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمد باقر)، محسبی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۶) و شهید مطهری (ره) نیز می‌فرماید: شکر یعنی نعمت را در مسیری که برای آن افریده شده است به کار بردن. (مطهری، شهید، برسی (ره)، مساله شناخت، صدر، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۲۵)

۴۸ - ... فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق انهم یحکف بربک انه علی کل شیء شهید: ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و اشکار شود که بر حق است آیا ای رسول (همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است کفایت از برهان نمی‌کند؟ (قرآن کریم، فصلت: ۵۳)

۴۹ - برای مطالعه جامع‌تر در مورد برخی از این صفات رجوع کنید به نفی‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۸، پیشین (۱۹) و Naghizadeh, 1995 پیشین (۱۹)

۵۰ - برای مطالعه در توضیح نقش فرهنگ و کلیت آن رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، هم‌انگهی نهادهای جامعه: ضرورت توسعه فرهنگی، همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸

دبیرگاه اسلام، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، بی‌تا، ص ۳۹

۲۷ - بورکهاردت، تینوس (ترجمه در آوینی، سیدمحمد)، نقش هنرهای ریبا در نظام آموزشی اسلام، در آوینی، سیدمحمد (مترجم و گردآورنده)، جاودانگی و هنر، برگ، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶

۲۸ - آیات مکرری از قرآن کریم به انحاء مخالف به عدل و اهمیت آن اشاره دارند از جمله قرآن کریم، ۴: ۵۸ و ۱۳۵، ۵: ۸، ۱۵۲ و ۱۶: ۷۶ و ۹۰

۲۹ - رجوع کنید به Naghizadeh, 1995 پیشین (۱۹)

۳۰ - طباطبایی، (۱۳۶۲)، ج ۴۰، پیشین (۹) ص ۱۰۶، همچنین رجوع کنید به طباطبایی (ره)، [علامه] سید محمد حسین، تفسیر شریف المیزان، جلد ۲۳ (ترجمه موسوی، سیدمحمد باقر)، محسبی، تهران، ۱۳۶۳

۳۱ - طباطبایی، (۱۳۶۲)، ج ۴۰، پیشین (۹) ص ۱۸۲

۳۲ - برخی از آیه‌های از قرآن کریم که به نحوی به مقام انسان در جهان هستی اشاره دارند عبارتند از: قرآن کریم، ۱۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۶: ۱۲، ۱۷: ۶۱، ۱۸: ۵۰، ۲۲: ۱۲

۳۳ - رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، مدخلی بر روش‌های ارزشیابی ساختمان‌های بلند با فرهنگ اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ساختمان‌های بلند در ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۷۶ و Naghizadeh, 1995 پیشین (۱۹)

۳۴ - آیات متعددی از قرآن کریم به ارزش انسان در مقایسه با عالم وجود اشاره دارند از جمله: "لم نروا ان الله سبحانه یمسک السموات و ما فی الارض و اسبع علیکم نعمه ظاهره و باطنه..." (قرآن کریم، ۳۱: ۲۰)

۳۵ - رجوع کنید به نفی‌زاده، محمد، مسجد کائیل مسقط بر جامعه اسلامی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد کائیل، سال آینده (آذر ماه ۱۳۷۶)، دانشگاه پردیس دانشکده هنر، تهران، ۱۳۷۸)

۳۶ - رجوع کنید به جعفری، بی‌تا، پیشین (۲۶)

۳۷ - پیرمیر (ص) فرمود: "ان الله کتب الاحسان علی کل شیء" کمال یا زیبایی شیء، در حمد و ثنای پروردگار است یا عبارت دیگر یک شیء کاملاً زیباست تا حدی که یک صفت الهی را متجانس می‌سازد. پس ما نمی‌توانیم کمال هیچ شیء را به دست آوریم مگر اینکه بدانیم چگونه آن شیء می‌تواند آینه صفت خداوند باشد.

(بورکهاردت، ۱۳۷۲، پیشین ص ۷۵)

۳۸ - آیات بسیاری از قرآن کریم به زینت شدن اعمال زشت انسان توسط و بالتایجه گمراهی انسان دلالت دارند، از جمله، قرآن کریم، ۴۳: ۱۶، ۶۳: ۲۷ و ۲۲: ۱۵

۳۹ - برخی آیه‌هایی که به حمد و تسبیح الهی توسط موجودات اشاره دارند عبارتند از: قرآن کریم، ۱۷: ۱۲ و ۱۹: ۲۱ و ۲۹